

تألیف

حسین نامق ارغون

ترجمه و حواشی از

عبدالقادیر آهنگری

# اویغورها

تواریخ چینی باین قوم در دوران‌های مختلف نام‌های مختلف داده است . همچنین به نقل از این منابع ، اویغورها از نسل هیونگ نو **Hiung - nu** هستند . و در بعضی از منابع ایشان را کائوچه **Kao - che** ( بمعنای دارای ارا به بزرگ ) نیز گفته‌اند . و به دسته‌ای دیگر از این قوم که در شمال زندگی می‌کرده‌اند چ - ل **Che - le** گفته‌اند که در زمان خاندان تانگ **Thang** چینی‌ها از این اسم ، نام تیه - ل **Tie - le** را استعمال کرده‌اند ، این قوم خودشان را هوای هو **Ho - hu** نامیده‌اند و ترکی این اسم بدون شک اویغور **Uygur** است .

می‌دانیم که قوم اوینور سالها تابع گولک ترکها (۱) بوده‌اند. در آن صورت یافتن نام اوینور در کتیبه های آنان لازم است. در حالیکه در کتیبه ها نام اوینور فقط یکجا می‌باشد و در اینجا نیز بعنوان اسم قومی مشخص نیست. در مقابل این، در سرزمین مسکونی اوینورها، کتیبه‌ای مربوط به گولک ترکها بدست آمده که در آن خان گولک ترک می‌گوید: «قوم تغزغز (۲) قوم خودم بوده کمی بعد او، قوم و بزرگان و پیروان خود را خطاب میکند و در این میان تغزغزها را نیز ذکر می‌نماید. در یکی از کتیبه های اوینوری نوشته شده که «اون (۳) اوینور بر تغزغز صدسال فرمان رانده است». و کمی پایین تر به عبارت همه افراد قوم تغزغز خود را جمع کردم، بر خورد می‌کنیم. از روی این عبارت آشکارا می‌فهمیم که خان اوینور قوم خود را تغزغز می‌نامد. (۴)

(۱) ترجمه تحت اللفظی آن بمعنای ترکهای آسمانی است، آنها قومی بودند که امپراطوری بسیار وسیعی قبل از اوینورها در آسیای مرکزی بوجود آورده و بارها پایتخت امپراطوری چین را تسخیر کرده بودند. اما عاقبت در اثر سیاست چین که بین اقوام ترک تفرقه انداخته بودند، ضعیف گردیده حکومتشان سقوط کرد. که البته اوینور ها وارث آن امپراطوری عظیم گردیده‌اند.

(۲) تغزغز مفهوم نه (۹) فارسی است. منظور از تغزغز، نه قبیله متحد غز می‌باشد.

(۳) اون مفهوم ده (۱۰) فارسی است. منظور از اون غز، ده قبیله متحد غز می‌باشد.

(۴) غز یا اوغوز، از اقوام ترک می‌باشد، آنان در اواخر دوره غزنویان، دسته دسته وارد سرزمین ایران گردیده‌اند. استاد دانشمند جناب آقای دکتر مشکور مقاله تحقیقی ارزنده‌ای در شماره پنجم - سال پنجم مجله بررسیهای تاریخی، تحت عنوان غز و مهاجرت ایشان به ایران دارند، که این مقاله برای آگاهی از چگونگی ورود ایشان به سرزمین ایران بی اندازه مفید است.

اسم اویغور را در ترکی از فعل **uymak** (تبعیت کردن) مشتق میدانند ولی نمت تامسن **Nemeth thomsen** به این امر اعتراض می کند و **udmak** را بجای **uymak** ریشه اصلی آن می داند. او در مقابل این اعتراض، این ایضاحات را می دهد، در ترکی قدیم انکشاف **d** (د) زیاد بسط و آشکار نیست. چنانکه این کلمه (**udmak**) در ترکی و اویغوری قدیم یعنی در قرن دوم و حتی در اوایل قرن هشتم میلادی با **y** (ی) دیده می شود. خود شکل **udmak** در دیوان لغت ترک (۲) محمود کاشغری به شکل **uymak** (۳) آمده است. (۴)

درباره منشأ اویغورها، تواریخ چینی این افسانه را نقل می کنند: یکی از پادشاهان هیونگ نو دو دختر فوق العاده زیبا بدنیآ آورد. این پادشاه که راضی نبود دختران به این خوشگلی را به ازدواج ابناء بشر درآورد، تصمیم گرفت آنها را تقدیم خداوند کند. در شمال کشور خود صحرايي را انتخاب کرد. بدلیل اینکه حدس می زد (۵) خدا در آسمان است. و برای نزدیک شدن بخدا برج بسیار بلندی بفرمان وی ساخته شد. دختران خود را در این برج گذاشته از خداوند تقاضا کردند که با دخترانش ازدواج نماید. دخترانی که وسط این بیابان و در داخل برجی تنها مانده بودند بعد از مدتی صدای گرگی را شنیدند. شب و روز گریک پیری بدور برج گردش کرده در حال زوزه کشیدن بود سپس در کنار برج چاله ای کند و در آنجا ساکن شد. دختر کوچک حدس زد

(۲) از کتابهای معروف لغت ترک میباشد.

(۳) لازم به یادآوری است که کتابت آن کتاب (دیوان لغت ترک) با حروف

عربی یا فارسی است نه بالاتین. مثلاً **uymak** اینطور نوشته شده: اویماق.

(۴) خواجه رشیدالدین فضل الله در کتاب جامع التواریخ خود، کلمه

اویغور را بهم پیوستن و مدد کردن معنی کرده است.

(۵) زیرا در آن هنگام چینیان آسمان پرست بوده اند.

که این گرك خداست و خواهرش را نیز قانع کرده از برج پائین آمدند و با گرك آمیزش نمودند. بچه‌هایی که از این گرك بدنیا آمدند، ملت اویغور را بوجود آوردند. (۱) در نزد اویغورها نیز مانند گوك ترکها علت توتم شدن گرك حاکی از این افسانه است. (۲)

(۱) در جلد اول کتاب جامع التواریخ، نوشته رشیدالدین فضل‌اله، در باره اویغورها چنین آمده است: « چون اوغوز پسر قراخان پسر دیپ باقوی پسر ابوالجه خان یافت پسر نوح علیه‌السلام بواسطه آنک موحد بود با اعمام و برادران و عم‌زادگان مصاف و محاربت کرد و بعضی از ایشان یارمندی (مدد) او کردند و دیگران را متهور گردانید و ممالک را مسخر کرد جمعیتی عظیم ساخت و طایفه خویشاوندان را که موافقت او کرده بودند اویغور نام نهاد و معنی این لفظ بلفظ ترك بهم پیوستن و مدد کردنست.

س ۳۳۱-۳۳۲ چاپ انستیتوی خاورشناسی (۲) این روایت چینی‌ها نمی‌تواند درست باشد، زیرا فقط از آمیزش دو جانور هم‌جنس نوزادی بوجود آید نه غیر هم‌جنس و این امر را علم پزشکی بخصوص در انسان ثابت کرده است. و تاکنون فقط از آمیزش گرك و سگ، و اسب و خر جانورانی چون شین‌لو و قاطر بوجود آمده‌اند.

علت اینکه چینی‌ها چنین روایتی درباره آنها و یا سایر اقوام ترك نقل کرده‌اند، دشمنی آنان را نسبت به ترکان نشان می‌دهد و آنها با ساختن چنین داستانها، می‌خواستند ترکان را خوار و بد اصل جلوه دهند.

مثلا: درباره قبرقیزها نیز چنین روایت می‌کنند که زمانی یکی از پادشاهان چین درصدد این برمی‌آید که با دختر زیبایی ازدواج کند. بدین منظور افرادی برای یافتن زیباترین دختر به اطراف می‌فرستد. آنان بدورترین نقاط می‌روند و چهل دختر را که یکی از دیگری زیباتر بود انتخاب کرده بطرف مرکز حکمرانی پادشاه حرکت می‌کنند. چون تعداد محافظان کم بود، مأمورین تصمیم می‌گیرند که آنها را در کنار رود خانه‌ای بگذارند

اویغورها عبارت ازین ۱۵ قبیله متحد میباشند .

- ۱ - یوئن he - yuen یا یوهو u - ho - ۲ - سیه ین تو  
 sie - yen - to ( سرتار دوش sir-Tardus ) ۳ - کی پی یو  
 ۴ - توپو tu - po - ۵ - کولی کان Ku - li - kan  
 ( کوری کان KuriKan ) ۶ - تولان کو To - lan - ko (تلنگوت)  
 ۷ - پوکو pu - ku - ۸ - پایه کو pa - ye - ku (بایرکو  
 ۹ - تونگ لولو Thung - loo - ۱۰ - هون Hun ۱۱ - سه کیه  
 ۱۲ - Se - Kie هوسیه Hu - sie - ۱۳ - هی کیه Hi - kie ۱۴ - آتیه  
 ۱۵ - A, tie پ سی pe - sii ( باسل ؛ Basml ) .

قبیله اول یعنی یوهو، چون مهمترین قبیله اویغور بود. اسم آنان در زمان  
 خاندان سوئی Sui (۵۸۱-۶۱۸) شامل تمام اویغورها بوده است . اویغور  
 ها در سواحل رودخانه های تولا و سلنگاساکن بودند . بعد از اینکه بر تعداد  
 آنها در اینجا افزوده شد ، بطرف جنوب سرازیر گردیدند و تحت اراده  
 ژوان ژوان ها که در آسیا حکومت مقتدری داشتند درآمدند . در همین حین  
 وئی Wei ( تابگاج Tabgac ) ها نیز در چین حکومت مقتدری بوجود  
 آورده بودند . بمحض شروع حملات اویغورها باراضی وئی ها ، وئی ها نیز به

→  
 وبه پایتخت رفته قوای کمکی بیاورند. آنها بحضور شاه می رسند و قوای کمکی  
 را دریافت کرده بطرف آن رودخانه حرکت می کنند . ولی چون دختران که  
 بیش از یکسال تنها مانده بودند با سگهایی که در آن حوالی پرده می زدند  
 آمیزش کردند . و پس از انجام گرفتن این کار ، سواران به آنها می رسند بدون  
 اینکه بفهمند که درغیاب آنها چه شده ، آنان را (دختران را) نزد پادشاه می برند  
 پادشاه وقتیکه می بیند پرده بکارت همه آنان پاره شده ، عصبانی می شود و همه  
 را بکنار همان رودخانه می فرستد . و ایشان در آنجا ، قیرقیزها را ( که آن  
 دختران از سگها باردار شده بودند ) بدنیآ آوردند ...

آنها لشکر کهنه مغلوب کردند و هزاران اسیر از اویغورها گرفتند. بعد از این واقعه پادشاه وئی بنام تائی دوتی tai - vu - ti باردیگر به اویغورها حمله کرد و اسرای اویغوری را به شمال چین کوچ داد. اویغورها همی که در اینجا ساکن شدند، به کشاورزی و دامپروری مشغول شدند.

اویغورهای تابع ژوآن ژوآن‌ها با مشاهده ضعف آنها (ژوآن ژوآن‌ها) عصیان کرده به حوالی ایرتیش عقب نشستند و در آنجا دولت مستقلی را تأسیس کردند. اما کمی بعد ژوآن ژوآن‌ها متحد شده انتقام خود را از اویغورها گرفتند. قسمتی از اویغورها تابع ژوآن ژوآن‌ها و قسمتی تابع چین گردیدند. زمانی که دولت ژوآن ژوآن‌ها بوسیله گوک ترکها سقوط کرد، اویغورها همی تابع آن دولت به اطاعت گوک ترکها درآمد. بعدها پادشاه گوک ترک که چولو (Chu - lo) eu - lo نامداشت از قدرت خودش اویغورها را کهورش آگاه شد، برای جلوگیری از این شورش بعضی از قبایل اویغورها را گوشمالی کرد. چولو باین نیز قناعت نکرده، قبیله سیه‌ین تو را قتل عام نمود. بهمین جهت قبایل پوکو pu - ku و تونگ tung و بایرکو Bayirko متحد شده بر علیه چولو عصیان کردند، شاهزاده‌ای بنام کی‌کین ki - kin را به سرکردگی خود انتخاب کردند که این شاهزاده از خاندان یولو که yo - lo - kho بود. این پادشاه با صد هزار تن از طرفداران خود در شمال سیه‌ین تو در کنار نهر سولینگ Soling قرارگاه خود را ایجاد کرد و در اینجا با استقلال حکومت کرده لقب شه‌کین se - kien را گرفته بود. پسر این پادشاه پوسا pu - sa از لحاظ جسارت و مهارت شخصیت ممتازی داشت، به شکار بی اندازه علاقه‌مند بود، پس از مرگ پدر، رئیس قوم گردید، مادرش یولو هونن U - lu - hoen نیز در کار دولت دخالت می‌نمود. در اثر نصایح او اویغورها تقویت گردیدند. اویغورها برای

حمله به گوك تر كهها با قبيله سیهین تو (۱) روابط دوستانه برقرار کرده بر سرحدات شمالی گوك تر كهها حمله بردند . پادشاه گوك تر كهها درین زمان كه كیه لی خان **kie - lihon** نامداشت، صد هزار نفر را بفرماندهی یو كوشه **yu - ku - se** برای سرکوبی اویغورها فرستاد . پوسا با افراد کمی كه در اختیار داشت این لشكر را پراکنده كرد . بعد از این پیروزی بر شهرت پوسا در آسیا افزوده شد . درین موقع سیهین تو هائیز حکومت پوسا را بر خود قبول کردند . خان (۲) اویغور نیز با گرفتن لقب كیه لی فا **Kie - li - fa** در سواحل رودخانه تولا مستقر گردید .

در سال ۶۲۹ میلادی سفیری نزد امپراطور چین فرستاد ، درین موقع حکومت گوك تر كهها توسط چینیها رو به انقراض بود و اویغور ها بعنوان مقتدرترین قبيله آسیائی باقی مانده بودند .

بعد از مرگ پوسا پسرش تومی تو **tu - mi - tu** بر تخت سلطنت اویغورها نشست . حکمران جدید اقوام اویغورها متحد کرد ، برای این هدف با قبيله سیهین تو جنگیده بود . بعد از متحد کردن اقوام بطرف چین حرکت كرد و به ساری نهر (رودخانه زرد) نزدیک شد بعد از انقراض حکومت گوك تر كهها سرزمینهای آنها را تصرف نمود و سفیرانی نیز به چین فرستاد (۴۶۶م) حکمران چین از سفرای اویغور بگرمی استقبال كرد ، برای اینکه آنها

(۱) ممکنست خواننده محترم ایراد بگیرد و بگوید مگر سیهین تو ها اویغوری نبوده اند كه اویغور برای حمله به گوك تر كهها با آنها روابط دوستانه برقرار می کنند . باید گفت كه ابتدا فقط سه قبيله پوكو، تونك و بایركو در زمان حكومت شه كین متحد گردیده بودند . البته اتحاد ۱۵ قبيله در زمانهای بعد صورت می گیرد .

(۲) خان یا خاقان یا قاقان در ترکی قدیم بمعنی امیر و پادشاه می باشد .

(۳) منظور در شمال سرزمین سیهین تو ها

مطیع چین باشند ، شرایط آنها را که پیشروی بیشتر بطرف شرق بود قبول کرد .

حکمران اویفور به رؤسای قبایل اویفوری تحت تابعه خود عناوینی داد ، در این هنگام ایالات را به شش قسمت تقسیم کرد ، و رئیس هر ایالت را تودون Tudun نامید و سپس ۶ ایالت دیگر هم ایجاد کرد ، برای مشخص شدن رؤسای این ایالات بهریک ، کمر بندی مزین به طلا که ماهی زراندود بر آن نقش بسته بود اهدا کرد .

بعد از این ، راههایی از سرزمین اویفورها به سرزمین چینی ها ایجاد کرد ، در طول این راه ۶۸ ایستگاه پستی دایر نمود که در آنها گوشت و مواد لبنی بوفور یافت می شد و گمرک خانه هایی برای گرفتن عوارض در سر راه ایجاد گردید . (۱)

تومی تو نیز تشکیلات اداری خود را مانند گوک ترکها ایجاد نمود ، ۶ وزیر خارجه و ۳ وزیر داخله داشت . به وزرای داخله ایچ بویروق گفته می شد در اینمواقع یوه U - he برادر زاده تومی تو دختر توشوتو tu - su - tu را فریب داده بود . بهمین جهت کیولوپو kiu - lo - po و کولی باقاترکان (۲) Kuli Baga مخفیانه متحد گردیده به نزد پدر شوهرشان گریختند (۳) و در اینجا استقبال گرمی از آنها شد . یوه که جریان

(۱) هر یک از ایستگاههای پستی بمنزله اداره گمرکی بشمار می رفت ، که البته کالائی که ازین جاده عبور می کرده ابریشم بوده است . می توان گفت که بانی قسمتی از جاده ابریشم را که این نام دارد تاریخ ایران حتی اروپا نیز شده ، تومی تو بوده است .

(۲) این کلمه نباید با ترکان بضم تاء اشتباه گردد ؛ بلکه آنرا باید بفتح تاء تلفظ نمود . ترکان یکی از القاب ترکان قدیم بود که بیشتر به زنان اختصاص داشته است . البته مردان نیز صاحب چنین لقبی بوده اند . (۳) چنانکه از متن پیداست هر دوی ایشان زن یوه بوده اند .



حوادث را بر علیه خود می‌دید ، شبانه تومی تو را بقتل رساند ، چینی‌ها ظاهراً این جنایت را بی اهمیت جلوه دادند اما با تیرنگ یوه را دستگیر نموده کشتند . امپراطور چین بعزت اینکه این حادثه باعث شورش نگردد ، یکی از امرای خود را به نزد اویغورها فرستاد ، برای جنازه حکمران متوفی مراسم باشکوهی انجام گرفت و پسرش پویون *po - yun* بجای پدر به تخت سلطنت نشاند. شد . اختلافاتی بین اویغورها بوقوع پیوست .

آسننا هولو *Assena - ho - lu* سرزمین اویغورهای شمالی را که بین رودهای اورهون و سلنگا بود ، تصرف نموده بود . بمحض اینکه پویون بتخت نشست هولورا براند و اراضی از دست رفته را پس گرفت . سپس باقوای چینی متحد شده هولو را در جوار کوه کین یا *kin - ya* مغلوب کرد ، بخاطر این پیروزی پادشاه چین عنوانی باو داد . پویون خدمات فراوانی به چین کرد و پس از مرگ او پسرش پالی *pe - li* بتخت نشست .

روش پ لی مانند پدرش نبود . به چینی‌ها اهمیت نداده به سرحداتشان حمله برد ، و چینی‌ها نیز در مقابل این عمل پالی ، برای نشان دادن قدرت خود بهوی ، لشکر عظیمی را روانه جنگ با اویغورها کردند . اویغورها چون تعدادشان در مقابل این سپاهیان بی شمار چینی ، خیلی کم بود عقب نشینی کردند . و چینی‌ها نیز به پیشروی خود ادامه دادند .

لشکر چین که از مرکز خیلی دور شده بود ، در اینجا از سرما و گرسنگی تلف گردید ، سردار چینی بعد از این شکست (۱) ترجیح داد که تابع اویغورها باشد . (ناتمام)

(۱) البته این شکست چنانکه در بالا نیز پیداست در نتیجه اقلیم بوده است و

جنگ باعث این شکست نشده بود .